



فصلنامه علمی پژوهشی دانش سرمایه‌گذاری
سال هشتم / شماره سی‌ام / تابستان ۱۳۹۸

مدیریت مالی و اثر دانینگ کروگر (خودبینی)

بهزاد پهلہ

دانشجوی دکتری مهندسی مالی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت، ایران (نویسنده مسئول)
Behzad_pahleh@yahoo.com

سید مظفر میر برگ کار

استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت، ایران
mirbargkar@yahoo.com

ابوالفضل ذوالقدر

دانشجوی دکتری مهندسی مالی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت، ایران
Abolfazl.zolghadr@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۲/۰۵ تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۵/۱۷

چکیده

اثر دانینگ-کروگر یعنی خودبینی (Dunning-Kruger effect) نوعی سوگیری شناختی در افراد غیرحرفه‌ای است که از توهم برتری رنج می‌برند و به اشتباه، توانایی‌شان را بسیار بیش از اندازه واقعی ارزیابی می‌کنند. این جانبداری به ناتوانی فراشناختی افراد غیرحرفه‌ای در شناسایی ناتوانیشان نسبت داده می‌شود و به مثابه جریان خون در بدن انسان می‌باشد. مدیران مالی نیز در نوع ارزیابی خود و دیگران دچار این خطای شناختی می‌شوند، چراکه معمولاً مدیران مالی با هر سطح از توانایی و تجربه معمولاً خود را بیش از آنچه که هستند ارزیابی می‌کنند. بعنوان مثال کسانی که توانمندی یک کارشناس حسابداری را داشته خود را رییس حسابداری و کسانی که توانایی رییس حسابداری را دارند خود را مدیر مالی و کسانی که توانایی مدیر مالی را دارند خود را مشاور مالی معرفی می‌کنند و معمولاً خود را بیش از آنچه هستند و یا برعکس کمتر از آنچه که هستند معرفی می‌کنند. که این خود ناشی از خود برتر بینی یا خود کمتر بینی یا همان اثر دانینگ کروگر می‌باشد. در این تحقیق ما به بررسی خصوصیات و معیارهای عمومی و خصوصی مدیران مالی پرداخته و مهارت‌های مدیران مالی را شناسایی کردیم و نتایج نشان می‌دهد که مهارت‌های مدیران مالی معمولاً بیشتر از آنچه که در آنها وجود دارد نشان داده می‌شود.

واژه‌های کلیدی: خود برتر بینی، مهارت‌های مدیریت مالی، اثر دانینگ کروگر.

۱- مقدمه

دنیا همواره در حال تغییر است و این تغییر روز به روز بیشتر می‌شود و باعث می‌گردد که مدیران و سیستم‌های مدیریت خود را با مهارت‌های روز منطبق سازند. برای اینکه مدیران بتوانند در عرصه رقابت ادامه حیات دهند ناگزیرند که خود را با ابزارهای مدرن و علوم مرتبط و غیر مرتبط آشنا و هماهنگ سازند. در این بین مدیران مالی نیز از این قاعده مستثنی نبوده و برای ادامه حیات ناگزیر به بروز کردن خود می‌باشند و باصطلاح بایستی از قافله عقب نمانند. آنها ابتدائاً بایستی وظایف عمومی و خصوصی مدیریت مالی از قبیل برنامه ریزی، سازماندهی، هدایت و رهبری، کنترل، نحوه سرمایه‌گذاری، تامین و تخصیص منابع مالی، بودجه بندی و همچنین روشها و سیاستهای تقسیم سود را بدرستی آموخته و بتوانند در سازمانها پیاده سازی کنند. آنها باید همچنین مهارت‌های عمومی و اختصاصی مدیر مالی از قبیل تحصیلات، دانش، تجربه، روابط موثر و ... و تهیه و تدوین، فهم و انتقال صورتهای مالی را فرا گرفته و در جهت بروز شدن آن تلاش نمایند. و این در صورتی است که دچار خودبرتر بینی و یا خودکمتر بینی (اثر دانینگ کروگر) نشوند. دارا بودن اخلاق حرفه‌ای در هر حرفه و شغل و برای هر انسانی با هر جایگاهی لازم و ضروری می‌باشد. اهمیت و ضرورت این نوع رفتار در انسانها باعث می‌شود که در مراودات شخصی و کاری از موفقیت نسبی برخوردار گردند. مدیران مالی نیز در کارهای خود بایستی از یک اعتدال لازم برای پیشبرد اهداف بلند مدت و کوتاه مدت خود استفاده نمایند. (رهنمای رودپشتی و ...، تکنولوژی و حسابداری). از جمله مواردی که باعث می‌گردد تا مدیران از اهداف خود باز بمانند نوع رفتار با دیگران و نوع برداشت از رفتار خود یعنی خود بزرگ بینی و خودکمتر بینی می‌باشد عبارتی با توجه به سطح داشته‌ها و مهارت‌هایشان خود را نه خیلی سطح بالا در نظر گرفته و نه خیلی دست کم بگیرند "مثابه ضرب المثل ایرانی نه از این ور بام و نه از آن ور بام افتادن" زیرا در هر دو حالت خطرات و ریسک‌های بسیاری آنها و سازمانها را تهدید می‌کند. مقاله حاضر به بررسی اثر مذکور بر رفتار، مهارت و تصمیم‌گیری مدیران مالی می‌پردازد و شواهد لازم جهت پاسخ به سوال تحقیق، یعنی تایید اثر رفتاری بر تصمیم‌گیری مدیران مالی تا چه اندازه است ارائه می‌دهد.

۲- روش‌شناسی پژوهش

مقاله حاضر مبتنی بر رویکرد فلسفی و علمی و بر پایه تجربه و تدریس محققین در شرکتها و دانشگاههای مختلف بوده است. که در قالب مقاله مروری و ترویجی تدوین شده است. از اهداف اصلی و علمی پژوهش حاضر بیان دلایل علمی و تجربی اثر دانینگ کروگر در مدیران مالی ایران و توضیحاتی در ارتباط با نقش این اثر بر مدیران مالی و نتایج ناشی از این نوع رفتار بوده است. در این پژوهش بعنوان چهارچوب روش‌شناسی از تفکر سیستمی استفاده گردید که بر این اساس بتوان تحلیل نظری و محتوایی از موضوع تحقیق ارائه شود که زیلاً ارائه شده است.



تفکر سیستمی

در ابتدا در نگرش سنتی عناصر در اختیار بشر با توجه به محیط ایستاتیک و پویا، ورودی و فرایند و خروجی مدلهای بوده و هدف سازمانها کسب سود و نهایتاً ثروت و اطلاعات مورد نیازشان هم داده و اطلاعات بود ولی به مرور زمان و تغییر نگرش از سنتی به مدرن و حرکت محیط پیرامونی سازمانها به سمت پیچیدگی و آشوبناک، نیازها تغییر کرده و دیگر داده ها و اطلاعات پاسخگو نبوده و بشر ناگزیر بایستی از دانش و خرد خود استفاده می کرده و هدفها نیز بجای خلق سود و ثروت جای خود را به ارزش و خلق ارزش داده و عناصر در دست بشر نیز دیگر جوابگوی مساعل پیچیده نبوده لذا بایستی نتیجه و اثر بعنوان عناصر استفاده گردد. مدیران مالی نیز بایستی خود را با تغییرات فوق هماهنگ کرده تا بتوانند در محیط آشوبناک امروزی همگام با سایر مدیران اهداف سازمان را به پیش برند. لذا بر اساس چهارچوب مذکور مبانی نظری مرتبط با موضوع بررسی و یافته های حاصل از آن در ادامه تحلیل و جمع بندی شده است.

۳- مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

مدیریت مالی یعنی مدیریت بر منابع و مصارف به صورت کارا و اثر بخش. مدیریت مالی یعنی استفاده از مفاهیم و اصول اقتصادی به منظور حل مسائل اقتصادی و هدف از آن مجموعه وظایف و مسئولیت هایی است که باعث می شود ثروت سهامداران به حداکثر برسد. و در واقع همان اقتصاد کاربردی است. مدیریت مالی قوی موجب می شود کسب درآمد سازمان به حداکثر برسد. مدیر مالی باید توجه داشته باشد که در چه مصارفی باید سرمایه گذاری کند و چگونه منابع لازم برای این دارایی ها را تامین می کند. مدیر مالی می بایست با بررسی دقیق درآمد و دارایی های شرکت و همچنین دریافت گزارشات دوره ای تمامی بخش های سازمان بودجه لازم برای سرمایه گذاری های شرکت که موجب رشد سازمان می گردد را فراهم آورد. مدیریت مالی، مدیریت بر منابع و مصارف شرکت است. مدیران مالی به دنبال افزایش سود شرکت (کوتاه مدت) و افزایش ثروت سهامداران (بلند مدت) و همچنین مسئول سلامت مالی سازمان هستند. آنها گزارشات مالی را تهیه، فعالیت های سرمایه گذاری را هدایت و استراتژی ها را توسعه داده و برای رسیدن به اهداف مالی بلند مدت سازمان برنامه ریزی می

کنند. نقش مدیر مالی با توجه به پیشرفت های تکنولوژیکی و نرم افزاری در حال تغییر است. در گذشته وظیفه اصلی مدیر مالی نظارت بر پروسه مالی سازمان بوده ، اما امروزه بیشتر به تحلیل داده ها و اراعه مشاوره به مدیران عالی برای حداکثر سازی سود و افزایش ثروت و ارزش و خلق ارزش برای سهامداران می پردازند. مدیر مالی به مدیران عالی سازمان مشاوره داده و وظایفی که مختص آن سازمان یا صنعت است را انجام می دهد. برای مثال مدیران مالی دولتی باید در ثبت، کنترل و تخصیص بودجه متخصص باشند و مدیر مالی شاغل در بخش صنعت باید نحوه محاسبه و گزارش دهی بهای تمام شده کالا و محصولات تولیدی را به طور کامل بدانند. علاوه بر این مدیران مالی باید با قوانین مالیاتی که بر سازمانشان موثر است، آشنا باشند. آنها با مدیران ارشد و واحدهای مالی و حسابداری ارتباط نزدیک دارند. مدیران مالی اکثرا به صورت تمام وقت کار می کنند و حجم کار آنها زیاد است. شرکتهای سازمانهای مختلفی به مدیران مالی نیاز دارند و آنها را استخدام می کنند. بانک ها، شرکتهای بیمه، سازمان های دولتی و خصوصی از مواردی هستند که مدیران مالی در آنجا مشغول به کار می شوند. تقریبا می توان گفت تمامی شرکتهای متوسط و بزرگ به منظور رشد و بقاء خود و همچنین افزایش سود و افزایش دارایی های خود به مدیران مالی نیاز دارند. به طور کلی مدیران مالی به دنبال تهیه، تخصیص و کنترل منابع مالی مربوطه هستند. آنها تلاش می کنند تا از عرضه کافی و منظم منابع مالی اطمینان حاصل کنند. همچنین مدیران مالی سعی می کنند که از بازده مناسب به سهامداران نیز مطمئن شوند. این فاکتور بستگی به ظرفیت درآمد، قیمت سهام و ابزار و گسترش سهامداران دارد. همچنین مدیران مالی به دنبال این هدف مهم هستند که بودجه مربوطه به صورت مطلوبی مورد استفاده قرار بگیرد. یکی از مهمترین اهداف مدیران مالی اطمینان از امنیت سرمایه گذاری است. منابع مالی باید در معاملاتی با ضریب امنیتی بالا سرمایه گذاری شوند چرا که در نهایت توجه به این بخش باعث نرخ مطلوب بازگشت سرمایه خواهد شد. آنها به دنبال برنامه ریزی برای یک ساختار درست سرمایه هستند. ترکیبی عادلانه و درست از سرمایه لازم است که در نهایت باعث برقراری تعادل بین بدهی و سرمایه شود. مدیران مالی نقش مهمی در دستیابی به اهداف یک سازمان بازی می کنند. لذا با توجه به جایگاه مدیریت مالی در ساختار سازمانی مدیر مالی باید بتواند همانند سایر مدیران مجموعه ای از وظایف مدیریتی را برای افراد زیرمجموعه بر عهده گرفته و به انجام برساند که شامل وظایف عام: برنامه ریزی ، سازماندهی ، هدایت ، رهبری ، کنترل و وظایف خاص: سرمایه گذاری، تامین مالی، تقسیم سود می باشد که مهمترین آنها عبارتند از:

سرمایه گذاری: تامین و تخصیص منابع مالی از وظایف خاص مدیر مالی می باشد که در تصمیم گیریهای مربوط به سرمایه گذاری کوتاه مدت و بلند مدت اهمیت دارد. اجرای این گونه تصمیمات در چارچوب اهداف واحد انتفاعی به وجود منابع مالی بستگی دارد. لذا مدیر مالی برای تامین منابع مالی معمولا از دو ابزار اصلی یعنی ابزار بدهی و سرمایه استفاده می کند و تفاوت اساسی ابزار های فوق در نوع مالکیت آن می باشد. (رهنمای رودپشتی و همکاران، مدیریت مالی جلد ۱، ۲۵)

تامین مالی: مدیر مالی وظیفه تامین منابع مالی مورد نیاز جهت اجرای برنامه ها را بعهده دارد و در مصرف آنها دخالت می کند تا به شکل بهینه تخصیص داده شود. در این راستا شناخت انواع بازارهای تامین مالی و بازار سرمایه بسیار مفید است. (رهنمای رودپشتی و همکاران، مدیریت مالی جلد ۱، ۳۷)

تقسیم سود: سودآوری معیار اصلی سنجش عملکرد مدیر واحد انتفاعی است. سیاست تقسیم سود بر انتظار سهامداران، منابع نقد در دسترس، شیوه تامین مالی، ساختار مالی و تداوم فعالیت واحد انتفاعی تاثیر مستقیم دارد. (رهنمای رودپشتی و همکاران، مدیریت مالی جلد ۱، ۳۰)

مهمترین وظیفه مدیریت مالی تصمیم گیری درباره سرمایه گذاری می باشد، زیرا در این چارچوب باید هم اهداف مشتریان و هم اهداف مالکین را تامین کند. سرمایه گذاری غلط نه تنها موجب از دست رفتن سرمایه سازمان می شود، بلکه اعتبار سازمان و همچنین ارزش سهام سازمان را کاهش می دهد. نقشهای مدیریت مالی نیز در این فرایند قابل توجه است از جمله:

نقش ارتباطی: یک مدیر مالی باید بتواند در واحد زیرمجموعه خود بعنوان رییس و رهبر گروه مالی عمل کرده و نقش رابط بین خود و واحدهای دیگر و مدیر بالادست باشد. (رضاییان، ۱۳۶۹، ۱۸)

نقش اطلاعاتی: یک مدیر مالی باید بتواند گیرنده اطلاعات، اطلاع رسانی و همچنین بعنوان سخنگوی گروه مالی باشد. (رضاییان، ۱۳۶۹، ۱۸)

نقش تصمیم گیری: یک مدیر مالی باید خلاقیت داشته و بتواند در مواقع بحران تصمیم مناسب بگیرد و بعنوان یک مذاکره کننده خوب در قراردادهای حاضر باشد. (رضاییان، ۱۳۶۹، ۱۸) لازم بذکر است پیچیدگی کسب و کار ضرورت توجه به معیارهای ها و مهارتهای عمومی یک مدیر مالی را برجسته و بااهمیت می سازد از جمله آنها:

دانش به روز: با توجه به وجود محیط پیچیده و آشوبناک دنیای امروز، یک مدیر مالی بایستی خود را با محیط پیچیده و در حال تغییر هماهنگ کرده و دانش خود را در زمینه های مالی و اقتصادی و مالیاتی و استانداردها و ... بروز نماید. (نیک بخت محمدرضا و سایر، ۱۳۹۴)

تجربه مرتبط و مفید: بسیاری از مدیران مالی سابقه طولانی در رزومه خود لحاظ می کنند، اما وقتی دقیقتر مورد بررسی قرار می گیرند مشخص می گردد که بسیاری از تجاربشان را در شغل های دیگری مشغول بکار بوده ولی در رزومه کاریشان بعنوان سابقه اعمال شده است. لذا مفید و مرتبط بودن کار با رشته مالی و حسابداری بسیار حائز اهمیت می باشد. (نیک بخت محمدرضا و سایر، ۱۳۹۴)

تخصص مرتبط: قطعا زمانی که تجربه شخص مرتبط با موضوع کاری وی باشد آن شخص دارای تخصص نیز می باشد. (نیک بخت محمدرضا و سایر، ۱۳۹۴)

تحصیلات مرتبط: تحصیلات نیز یکی دیگر از عواملی است که مدیران مالی بایستی داشته باشند زیرا در خیلی از موارد مساعلی همچون تئوریهها و فرضیات و حتی سطح تحصیلات فرد در موفقیتش نقش بسزایی ایفا می کند. (نیک بخت محمدرضا و سایر، ۱۳۹۴)

همگام بودن با تکنولوژی: یک مدیر مالی باید توانایی و مهارت کار با نرم افزارهای مختلف مالی را داشته تا بتواند بر زیر مجموعه های خود مدیریت کرده و در مواقع لزوم به آنها کمک نماید. (نیک بخت محمدرضا و سایر، ۱۳۹۴)

تصمیمات بموقع و موثر: محققین بر این باورند که صرف داشتن تجربه و تخصص و تحصیلات و ... ضامن موفقیت یک مدیر مالی نمی باشد. اگر یک مدیر تمامی مهارت‌های فوق را داشته ولی در مواقع لزوم نتواند تصمیم منطقی و درستی بگیرد مدیر موفق نخواهد بود.. (نیک بخت محمدرضا و سایر، ۱۳۹۴)

ارتباط موثر: یکی از خصوصیات بارز یک مدیر مالی ارتباط وی با همکاران مالی و واحدهای دیگر و همچنین مشتریان و تامین کنندگان علی‌الخصوص در محیط پر چالش امروزی و پر از رانت در شرکتها و ادارات می باشد. (نیک بخت محمدرضا و سایر، ۱۳۹۴)

اعتماد بنفس و خودباوری : اعتماد بنفس یکی از عوامل مهم هر شخص در زندگی شخصی و کاری محسوب می شود که البته داشتن مهارت‌های فوق‌الذکر می تواند در بالا بردن خودباوری و اعتماد بنفس مدیران مالی کمک شایانی کند. (نیک بخت محمدرضا و سایر، ۱۳۹۴)

آینده نگری: توجه به محیط پیرامونی و در حال تغییر اهمیت آینده نگری را دو چندان می کند. زیرا اگر مدیر مالی نتواند آینده را از لحاظ اقتصادی و سیاسی و تکنولوژیکی و ... پیش بینی کند بعد از مدتی جایگاه خود را از دست خواهد داد. (نیک بخت محمدرضا و سایر، ۱۳۹۴)

اعتماد مدیران: با توجه به جایگاه و اهمیت مدیریت مالی در سازمانها به جرات می توان گفت اگر مدیری کلیه مهارت‌های عمومی و خصوصی را دارا بوده ولی مورد اعتماد مدیران علی‌الخصوص مدیر عامل نباشد جایگاه خود را از دست خواهد داد. (نیک بخت محمدرضا و سایر، ۱۳۹۴)

ضمناً توجه به معیارها و مهارت‌های اختصاصی یک مدیر مالی نیز بااهمیت است:

مهارت تهیه صورتهای مالی: زمانی می توان یک صورت مالی خوب تهیه کرد که با ماهیت حسابها و نحوه صدور اسناد و همچنین چگونگی چیدمان دارایی‌ها و بدهی‌ها آشنایی کامل داشت چرا که پیش زمینه و مقدمه تدوین صورتهای مالی شناخت و مهارت انجام مراحل فوق است.

مهارت فهم اجزای صورتهای مالی: بسیاری از مدیران مالی توانایی تدوین صورتهای مالی را داشته ولی فهم و درک اجزای صورتهای مالی از قبیل دارایی جاری و غیر جاری ، بدهی جاری و غیر جاری ، سود عملیاتی و غیر عملیاتی و خالص و ناخالص و ... را ندارند. که این موضوع توسط مدیران و محققینی که در انواع شرکتهای تولیدی و بازرگانی و خدماتی و پیمانکاری و ... تجاربی دارند مورد تایید می باشد.

مهارت انتقال مفاهیم صورتهای مالی به دیگران: موضوع دیگر بعنوان یکی دیگر از مهارت‌های اختصاصی مدیران مالی توانایی انتقال مفاهیم صورتهای مالی به زبانی ساده و عامیانه به اعضای هیات مدیره و سهامداران و سایرین در مجامع و سازمانهای استفاده کننده از صورتهای مالی می باشد.

۳-۱- مبانی نظری اثر دانینگ کروگر

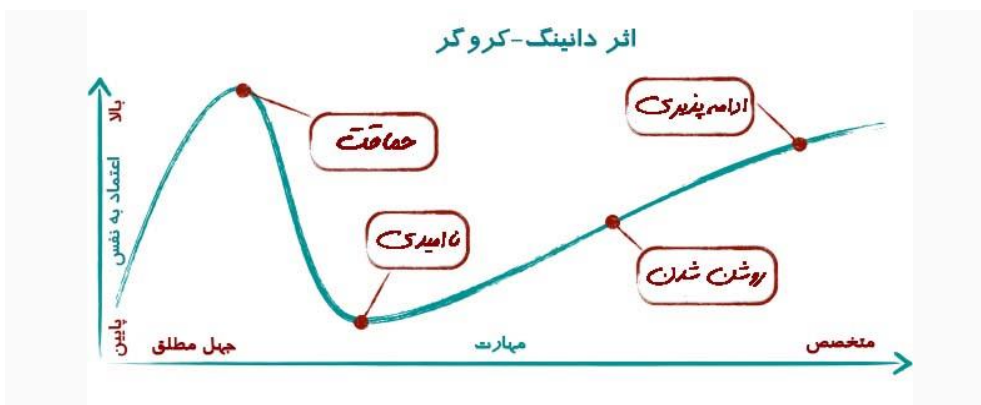
از نظر علمی ثابت شده است که هر چه کمتر بدانید فکر می‌کنید بیشتر می‌دانید. به این واقعیت اثر دانینگ-کروگر گفته می‌شود. دو دانشمند به نام‌های دانینگ و کروگر در سال ۱۹۹۹ در دانشگاه کرنل تحقیقی بر روی مهارت‌های گرامری، توانایی استدلال منطقی و شوخ طبعی شرکت‌کنندگان انجام دادند و متوجه شدند که کسانی که توانایی بسیار ضعیفی در این زمینه‌ها نسبت به دیگران داشتند توانایی‌های خود را بیش از حد تخمین می‌زدند درحالی‌که کسانی که ظرفیت‌های بالاتری داشتند مهارت‌های خود را دست کم می‌گرفتند.

(Kruger, Justin; Dunning, David (1999))

اثر دانینگ-کروگر نوعی سوگیری شناختی در افراد غیرحرفه‌ای است که از توهم برتری رنج می‌برند و به اشتباه، توانایی‌شان را بسیار بیش از اندازه واقعی ارزیابی می‌کنند. این جانبداری به ناتوانی فراشناختی افراد غیرحرفه‌ای در شناسایی ناتوانیشان نسبت داده می‌شود. برعکس، افراد خیلی حرفه‌ای، گرایش بیشتری به دست‌کم گرفتن شایستگی خود داشته و به نادرست تصور می‌کنند که کاری که برای‌شان آسان است، برای دیگران نیز آسان است.

(Kruger, Justin; Dunning, David (1999))

دیوید دانینگ و جاستین کروگر از دانشگاه کرنل این‌گونه نتیجه می‌گیرند: «تخمین نادرست فرد بی‌لیاقت، از اشتباه در ارزیابی خود ناشی می‌شود؛ درحالی‌که تخمین نادرست افراد بسیار بالیاقت، از اشتباه در ارزیابی دیگران نشأت می‌گیرد.



نمودار دانینگ کروگر

این نمودار مختص دو دانشمند به نام‌های دانینگ و کروگر است که با انجام یک تحقیق میدانی در سال ۱۹۹۹ آن را به نام خود ثبت کردند در حالی که پیشتر این اثر توسط دیگر دانشمندان بررسی شده بود ولی توسط این دو در این سال به نتیجه رسید.

به زبان ساده زمانی که بخواهیم این نمودار را تفسیر کنیم این گونه نتیجه گیری می‌شود که هر اندازه دانایی افراد کمتر باشد قدرت ریسک پذیری بیشتر است. در پاره‌ای از موارد افراد دست به انجام یک سری اقداماتی می‌زنند و باور می‌کنند که این کار شدنی است و می‌توانند به سادگی از پس آن برآیند و جالب است که به آن دست می‌یابند بطور طبیعی در هر کاری که معلومات و دانش دقیقی وجود ندارد فرد احساس می‌کند موفق عمل خواهد کرد و با توجه به این باور شروع به انجام کار می‌کند. این مسأله یک بعد قضیه است و گاهی افراد با تکیه بر دانش به کار ورود می‌کنند و این نمودار به خوبی نشان می‌دهد زمانی که فرد ناآگاه و بی تجربه است با چه میزان ریسک پذیری بازی را شروع می‌کند و زمانی که دانش و آگاهی دارد چه میزان پخته و حساب شده عمل می‌کند. (Kruger, Justin; Dunning, David (1999))

تفاوت اعتماد به نفس کاذب و واقعی

بر اساس این قضیه می‌توان گفت که اعتماد به نفس به دو دسته تقسیم می‌شود: اعتماد به نفس کاذب و اعتماد به نفس واقعی. اعتماد به نفس کاذب اعتماد به نفسی است که فرد بر اساس آن گمان می‌کند که قادر به انجام کاری است و در اعتماد به نفس واقعی فرد مطمئن به کسب موفقیت در انجام کاری است. در جامعه ما یکی از مدل‌های کسب و کار به فضای زندگی صنعتی ما محسوب می‌شود و مدل‌های بیشتری برای کسب موفقیت در کار وجود دارد که توسط دانشمندان دیگر مطرح شده است. لیکن آنچه بر اساس این مدل نتیجه گیری می‌شود این است که وقتی افراد به اندازه کافی با مخاطرات یک کار آگاه باشند اعتماد به نفس محاسبه شده تری خواهند داشت. به این معنی که در فلان پروژه با توجه به مخاطرات و سختی‌های کار امکان ۶۰ درصد موفقیت وجود دارد که این تفسیر با توجه به محاسبه متغیرهای موجود صورت می‌پذیرد از طرفی افرادی که اعتماد به نفس کاذب دارند بر این باورند که قطعاً در کاری موفق عمل خواهند کرد.

شعر زیر بیانگر موضوع مقاله می‌باشد:

آن کس که بداند و بداند که بداند	اسب خرد از گنبد گردون بجهاند
آن کس که بداند و نداند که بداند	بیدار کنندش که بسی خفته نماند
آن کس که نداند و بداند که نداند	لنگان خرک خویش به منزل برساند
آن کس که نداند و نداند که نداند	در جهل مرکب ابدالدهر بماند
آن کس که نداند و نخواهد که بداند	حیف است چنین جانوری زنده بماند

منابع تورش در تصمیم‌گیری به اختصار در زیر آمده‌اند:

- عقلانیت محدود و اینکه انسان در شناخت دچار تورش می‌شود
- محدودیت زمانی افراد در دوره‌های زمانی کوتاه مدت؛ باید تصمیمات زیادی اتخاذ کنند، بنابراین وقت کافی برای بررسی دقیق وجود ندارد.
- عوامل احساسی بر قضاوت انسانها اثر می‌گذارد.

- عوامل اجتماعی و تعلق انسان به جامعه باعث میشود در تصمیم گیریها، برخی متغیرهای اجتماعی (از قبیل توجه به تصمیمات گروهی) را در نظر گیرد.

در طول دهه های اخیر، حوزه مالی وارد دوران فکری جدیدی شده است که برخی مفروضات اقتصاد و مالی مدرن را مورد انتقاد قرار می دهد. یکی از این مفروضات منطقی بودن مدیران مالی است که به طور جدی به چالش کشیده شده و مطالعات متعددی به بررسی این موضوع اختصاص یافته اند. امروزه این موضوع قوت گرفته که رفتارها بیشتر توسط نگرش ها و فاکتورهای روانی تعیین می شوند تا متغیرهای بنیادی و بنابراین مطالعه روانشناسی اهمیت بیشتری پیدا کرده است. بر این اساس شاید هیچ موضوعی در ادبیات مالی اخیر بحث برانگیزتر از این سوال نباشد که آیا مدیران مالی در تصمیم گیری منطقی عمل می کنند یا خیر؟ در الگوی اقتصاد مالی سنتی فرض می شود که تصمیم گیرندگان کاملاً "عقلایی عمل کرده و همیشه به دنبال بیشینه کردن مطلوبیت مورد انتظار هستند. به عبارت دیگر، دو پایه اصلی در پارادایم سنتی مالی، عقلانیت کامل عوامل و تصمیم گیری های مبتنی بر بیشینه سازی مطلوبیت مورد انتظار است. در حالیکه در مالی رفتاری عنوان می شود که برخی پدیده های مالی را می توان با بکارگیری مدل هایی که در آنها برخی عوامل موجود در اقتصاد کاملاً "عقلایی نیستند درک کرد. بسیاری از پژوهشگران اعتقاد دارند که همه مدیران از اطلاعات دریافت شده برداشت یکسان نداشته و نسبت به روندها واکنش یکسانی نشان نمی دهند. در نتیجه تصمیمات آنها همیشه مطابق با تئوریهای اقتصادی نمی باشد. مطالعات رفتاری به بررسی مساله به شیوه های واقعی تر می پردازد. شرایط مبهم آتی و اشتباهات شناختی که در روانشناسی انسان ریشه دارد، باعث می شود مدیران مالی در شکل گیری انتظارات، تصمیم گیری و قضاوت اشتباهات سیستماتیک داشته و با سوگیری های شناختی مواجه شوند. سوگیری های شناختی عبارتند از نوعی آسیب پذیری شناختی در پردازش اطلاعات. واژه سوگیری به معنی جانبداری و به عنوان منحنی نقص در ادراک، قضاوت و یا سایر فعالیت های شناختی ناشی از ندیدن و غفلت از بعضی جوانب به سود بعضی جوانب دیگر تعریف شده است.

رهنمای رودپشتی و همکاران در ۱۳۸۹ به عکس عملهای افراطی سرمایه گذاران در بازار اوراق بهادار پرداختند. همچنین به دلیل درگیر بودن سرمایه گذاران با سوگیری های شناختی از جمله شهود نمایندگی، اطمینان بیش از حد، لنگر اندازی و... پس از آزمون مدل Rhodes-Kroopf در بازار سهام ایران، پورتهوهای تشکیل و نحوه عکس العمل سرمایه گذاران نسبت به روند اطلاعات بررسی گردیده است. نتایج حاکی از وجود واکنش بیش از حد و کمتر از حد در دوره زمانی 1379-1387 تحت تاثیر سوگیری های نظیر شهود نمایندگی و اطمینان بیش از حد و همچنین ارتباط شاخص رفتاری با فاکتورهایی مانند اندازه شرکت، نسبت B/M، سن شرکت، قیمت و بازده گذشته سهام و... می باشد.

خرازی 1383 شواهد بسیار زیادی وجود دارد که نشان می دهد سرمایه گذارانی که با سوگیری های شناختی مواجه اند اطلاعات را با دقت تفسیر ننموده و گاهی نسبت به اطلاعات جدید "واکنش بیش از اندازه یا کمتر از اندازه نشان می دهند.

باربریز و همکاران (1998) معتقدند که سوگیری نمایندگی و سوگیری محافظه‌کاری علل تفسیر نادرست اطلاعات توسط سرمایه‌گذاران می‌باشند. چنانچه سرمایه‌گذاران اطلاعات دریافتی جدید را مشابه اطلاعات قبلی تشخیص دهند، سوگیری نمایندگی بروز کرده و واکنش بیش از حد از خود نشان می‌دهند. برعکس، چنانچه اطلاعات دریافتی جدید با اطلاعات قبلی مغایرت داشته باشد، سوگیری محافظه‌کاری باعث می‌شود که سرمایه‌گذاران واکنش کمتر از حد از خود نشان دهند.

دانیل و همکاران (1993) بیان می‌دارند که سرمایه‌گذاران تحت تاثیر اطمینان بیش از حد بوده و گرایش دارند که میزان دقت و صحت اطلاعات خصوصی شان را بیشتر برآورد نمایند. سرمایه‌گذارانی که با سوگیری بیش از اطمینان مواجه‌اند، نسبت به اطلاعات دریافتی واکنش بیش از حد از خود نشان داده و در نتیجه پس از اخبار خوب، قیمت سهام را بیش از ارزش واقعی و پس از اخبار بد کمتر از ارزش واقعی تعیین می‌نمایند که به ارزشیابی نادرست سهام منجر می‌گردد. مطالعه فرایند تصمیم‌گیری و ارزشیابی سهام توسط سرمایه‌گذاران، ما را در تحلیل واقعیت‌های بازارهای سرمایه و استثناهای تجربی موجود در نظریه‌های رایج مالی توانا می‌سازد.

۴- یافته‌های علمی پژوهش

شناسایی دلایل و نقش اثر دانینگ کروگر (خطای رفتاری) بر مدیران مالی از نظر متخصصان مالی رفتاری از مهمترین یافته‌های مقاله حاضر است که مهم‌ترین آن عبارتند از:

انحرافات رفتاری: تصمیم‌گیری و عقیده مدیر مالی گاهی دستخوش خطاهای شناختی و انحرافات از واقعیت می‌گردد لذا نمی‌تواند بهترین تصمیم را اخذ نماید و شاید تنها تصمیم وی تغییر نموده بلکه در جهت دیگری بوجود آید.

اعتماد به نفس کاذب: برخی از مدیران مالی و فعالان حوزه مالی به پشتوانه کسب تجربه و حتی در مواقعی مهارت خود، وارد شغلهایی می‌شوند که معقول نیست. از آنجا که ریسک خود خطری برای موقعیت افراد است بایستی دیدگاه و عملکردی مناسب در زمان و موقعیت وجود داشته باشد. اما اغلب خود این افراد متوجه اشتباه بیش از حد خود نمی‌شوند. زیرا نتایج مطالعات بیانگر این واقعیت است که افراد موفقیت را به تواناییهای خود نسبت می‌دهند و آن را نتیجه تصمیمات، استعداد و ذکاوت خود می‌دانند. این در حالیست که شکست و مغلوب شدن را ناشی از عوامل بیرونی و شانس تلقی می‌نمایند.

دیدگاه محدود: به علت دید بسته و یا محدود، برخی مدیران مالی در حالت سقوط قرار می‌گیرند. دلایل متعددی مدیر مالی را در چنین وضعیتی قرار می‌دهد. یکی از مهمترین علل، فقدان یا بی‌توجهی به ارزیابیهاست. لذا به بیان دیگر ابزاری جهت ایجاد دید وسیع یا وجود نداشته یا بدان توجه نشده است. در نتیجه می‌توان گفت همه آنچه را که باید، نمی‌توان دید. از دیگر دلایل می‌توان به داشتن دید کوتاه مدت برخی مدیران مالی اشاره نمود. در برخی شرایط دیدگاه نزدیک بین با گریز از زیان سازگار نیست از عوامل دیگر هم می‌توان تمایل شدید مدیر مالی را به یک رفتار خاص و پافشاری به آن دانست. به عنوان مثال کارمندان یک شرکت داشتن سهم آن شرکت را گاه به سهام دیگر شرکت‌ها ترجیح می‌دهند. و در نهایت دیدگاه مذکور سبب

می شود که ریسک را نتوان به طور واقعی تخمین زد، چرا که توجه به همه ابعاد وجود ندارد. نتیجه همه آنچه در این مورد خاص ذکر گردید منجر به تصمیم گیری هایی عجولانه و یا با تاخیر می گردد، یعنی مدیر مالی زمانی که هنوز در حالت پیشرفت قرار دارد و منحنی پیشرفت او حرکتی افزایشی دارد، متوجه نشده و مغرور می شود و یا بر عکس با وجود قرار داشتن در حالتی نزولی بر ماندن در این حالت مداومت می نماید و امید به بهتر شدن اوضاع داشته که در نهایت منجر به در جازدن بیشتر وی می گردد.

خطای فرافکنی (شاخص یا تعمیم دهی): یکی دیگر از مواردی که سبب شد اثر دانینگ کروگر مورد توجه قرار گیرد خطای دیگری است که در تصمیم گیری ها به وجود می آید. این خطا که همانا خطای فرافکنی است، زمانی به وقوع می پیوندد که مدیر مالی یک حادثه یا واقعه اخیر و یا شرایط ایجاد شده در کوتاه مدت را به آینده یا بلندمدت تعمیم می دهد. در چنین حالتی مدیر مالی امروز کاری را انجام می دهد که افراد پیروز بازار دیروز انجام داده بودند. از دیگر عیوب چنین تفکری این است که مدیر مالی یک نمونه کوچک را به همه ی آینده و یا کل جامعه تعمیم می دهد. نتیجه چنین دیدگاهی سبب می شود که وی نسبت به برخی از مساعل پر زرق و برق تر بدون توجه به تحلیل آنها واکنشی فراتر از آنچه باید داشته باشد. همچنین ممکن است فرافراکنشی نسبت به اخبار و شایعات - اغلب اخبار و شایعات بد - از خود نشان دهد، در حالیکه آن ها ممکن است تنها کوتاه مدت و گذری باشند. ممکن است حرکتی کوتاه مدت و تصمیمی آنی منجر به زیانی بلند مدت گردد. در برخی مواقع هم برخی از خطاها مانند تعمیم دهی اثبات نشده و برخی رویکرد ها از جمله محافظه کاری بیشتر جلوه نموده است.

دوری از تاسف و پشیمانی: در مواقعی اتفاق می افتد با وجود آنکه یک موقعیت شغلی به نظر خوب می آید اما مدیر مالی از آن احتراز نموده و نوعی ترس برای ورود به آن موقعیت خاص از خود نشان می دهد، در چنین حالتی ریسک گریزی مدیر مالی به علت فرار از حالت تاسف و یا پشیمان شدن در آینده می باشد. چنین حالتی باعث می شود که مدیر مالی با تاخیر وارد موقعیت شغلی شود. ضمناً اتفاق می افتد که نیات و تصمیمات خوب اقتصادی مدیر مالی بالفعل نشود، و این خود نوعی در جا زدن است.

۵- نتیجه گیری و بحث

در سیستمهای اقتصادی دنیای کنونی داشتن اطلاعات و ارتباطات با همکاران سازمان و خارج از آن از اهمیت ویژه ای برخوردار است. مدیران مالی در سازمانها و شرکتها وظایفی از قبیل سرمایه گذاری، تامین مالی، تقسیم سود، برنامه ریزی، سازماندهی، رهبری و کنترل در واحدهای زیرمجموعه و نقشهایی از قبیل نقش مهارتی و ارتباطی و تصمیم گیری را بر عهده دارند. مدیران مالی بایستی مهارتهای فنی، عملیاتی، تکنیکی و تحلیلی از قبیل شناخت انواع نرم افزارهای مالی، تهیه صورتهای مالی روشهای جذب درآمد و تامین و تخصیص منابع مالی، شناخت و بکارگیری انواع ریسکها، مهارتهای ریاضی و ... داشته تا بتوانند در دنیای پر از چالش امروزی سازمانها و شرکتها را هدایت و کنترل نموده و به هدف نهایی که افزایش سود و ثروت و نهایتاً ایجاد ارزش است برسازند. لذا در این راستا مدیران مالی بایستی قبل از قبول مسئولیت به عواملی از قبیل اعتماد

بنفس، تجربه، دانش، تکنولوژی، تصمیمات بموقع و موثر، ارتباطات و آینده‌نگری که می‌تواند از عوامل بروز خطای رفتاری باشد توجه نمایند زیرا این عوامل به مثابه شمشیر دولبه عمل می‌نماید چرا که توجه به عوامل فوق در حین انجام کار باعث می‌گردد که اثر فوق‌کمرنگ شده و کم‌توجهی و بی‌توجهی به عوامل فوق باعث پررنگ شدن آن در مدیران مالی شده و احتمال بروز رفتارهای نسنجیده و در نهایت انحراف از اهداف شرکت و سازمان از مسیر اصلی و نهایتاً ورشکستگی بدلیل اهمیت و جایگاه مدیر مالی گردد. مدیران مالی برای بقا و ادامه حیات شغلی خود نیازمند تجربه، تخصص، اطلاعات، ارتباطات و ... می‌باشند تا بتوانند سازمانها را از لحاظ مالی مدیریت و اداره کنند. در این میان رفتار مدیران مالی بسیار حائز اهمیت است زیرا مدیران بعضاً خود را بیش از آنچه که هستند معرفی کرده ولی در عمل با مشکل مواجه می‌شوند و در خیلی از موارد امور جاری سازمان را با مشکل مواجه کرده و یا تصمیماتی می‌گیرند که آینده سازمان را به مخاطره می‌اندازد، که یکی از دلایل آن داشتن خود برتر بینی و یا همان خطای شناختی دانینگ کروگر می‌باشد.

بنابراین با توجه به اینکه مدیر مالی و نقش آن از جایگاه ویژه و حساسی در سازمانها برخوردار است و هر کدام از تصمیمات وی می‌تواند سازمان را با ابرچالش و خطر جدی مواجه کند و آینده شغلیش را نیز به خطر اندازد به این نتیجه می‌رسیم که با توجه به پیشینه و مبانی نظری تحقیق واکنش مدیران مالی بستگی به عواملی از قبیل واکنش بیش از اندازه به اطلاعات جدید، سوگیری‌های نمایندگی، انحرافات رفتاری، اعتماد بنفس کاذب، دیدگاه محدود، خطای فرافکنی و شخصیت و نوع رفتار مدیران مالی دارد. که اگر هر کدام از موارد فوق در رفتار فرد اثر منفی بر جای گذارد دچار خود برتر بینی شده و در انجام کارهای دچار مشکلات اساسی می‌گردد و با توجه به جایگاهش، سازمان را به سمت بیراهه و ورشکستگی می‌کشاند. لذا توجه به توانمندی و مهارت‌های واقعی و تسلط بر وظایف تخصصی و عمومی مدیران مالی و همچنین تورشهای رفتاری در تصمیم‌گیریهای صحیح اهمیت بسزایی دارد و در پیشبرد اهداف شرکتها با توجه به اهمیت و جایگاه مدیر مالی بسیار تاثیرگذار خواهد بود در نهایت توصیه می‌گردد که دلایل خطاهای رفتاری از قبیل انحرافات رفتاری، اعتماد بنفس کاذب، دیدگاه محدود، خطای تعمیم‌دهی و دوری از پشیمانی توسط مدیران مالی مد نظر قرار گرفته و در جهت رفع آنها از طریق راه‌حل‌های پیشنهادی تحقیق مانند گفتگو با دوستان و آشنایان جهت حداقل کردن انحرافات رفتاری، انجام آزمونهای روانشناسی و هوش جهت شناخت بیشتر از خود، استفاده از ابزار تحلیل SWOT در شناسایی خطاها و استفاده از مشاوره‌های روانشناسی اقدام نمایند.

راه حل پیشنهادی برای اثر دانینگ کروگر

در زندگی روزمره

برای در امان ماندن از این اشتباه استراتژیک می‌توان با دوستان نزدیک به گفت و گو پرداخت و نقاط ضعف و قوت خود را از آن‌ها پرسید. هم‌چنین می‌توان از آزمون‌های رایج سنجش میزان هوش و آزمون‌های خودشناسی بهره گرفت. این آزمون‌ها ممکن است زوایای پنهانی از شخصیت و میزان توانایی شما را برایتان مشخص کنند.

برای کسب و کار

شاید یکی از بهترین کارهایی که بتوان برای مصونیت در برابر اثر دانینگ کروگر انجام داد این باشد که در مرحله ایجاد تیم برای شروع یک کسب و کار، از ترکیب متنوعی از افراد شامل گروه های سنی و جنسی مختلف با تجربه و شخصیت های متفاوت استفاده شود. با این کار، اثر منفی دانینگ کروگر تا حد زیادی خنثی خواهد شد.

همچنین استفاده از ابزارهایی مانند تحلیل سوات (SWOT) می تواند در شناسایی این خطاهای شناختی تأثیر زیادی داشته باشد، ضمن اینکه برنامه ریزی برای شناسایی استعداد های رشد فردی اعضای تیم و استفاده از مشاور کمک بزرگی در شناسایی و رفع اثر دانینگ کروگر دارد. هرکدام از مهارت های فوق را می توان در قالب اثر دانینگ کروگر مطرح کرد چرا که اگر مدیران مالی صرف داشتن یکی یا چند مهارت فوق الذکر، خود را مدیر مالی معرفی کرده و مهارت هایشان را طبق اثر فوق بیشتر یا کمتر از میزان واقعی نشان دهند دچار خطای اثر دانینگ کروگر شده و این موضوع به مرور زمان اثرات جبران ناپذیری را برای سازمان و همچنین فرد به همراه خواهد داشت. انسانها از انجام کاری که برای آنها پشیمانی و ناراحتی به همراه داشته باشد پرهیز می کنند و علاقه دارند که کارهایی انجام دهند که احساس غرور بیاورد. پشیمانی احساس ناخوشایندی است که پس از انجام اعمالی به انسان دست میدهد که نتیجه مطلوب نداشته است. بر عکس حس غرور و رضایت زمانی به انسان دست می دهد که کاری که در گذشته انجام داده، به نتیجه مطلوبی رسیده باشد. البته باید توجه داشت که نتیجه انجام ندادن عملی که قابل انجام بوده است نیز ممکن است همین احساس را به انسان منتقل کند. متخصصان مالی رفتاری این دو (نتیجه حال انسان از انجام دادن و انجام ندادن عملی) را از هم جدا می کنند.

فهرست منابع

- * رهنمای رودپشتی فریدون، نیکو مرام هاشم، هیبیتی فرشاد، (۱۳۸۹) "مبانی مدیریت مالی جلد یک"، انتشارات ترمه
- * رهنمای رودپشتی فریدون، نیکو مرام هاشم، هیبیتی فرشاد، (۱۳۸۹) "مبانی مدیریت مالی جلد دو"، انتشارات ترمه
- * رهنمای رودپشتی فریدون، نیکو مرام هاشم، بنی طالبی دهکردی بهاره، (۱۳۹۳) "حسابداری و تکنولوژی"، دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، سال سوم شماره دهم
- * نیکو مرام هاشم، رهنمای رودپشتی فریدون، طلوعی اشلقی عباس، تقی پوریان یوسف، (۱۳۹۳) "ارزیابی تأثیر اخلاق حرفه ای حسابداران مدیریت بر ویژگیهای کیفی حسابداری مدیریت"، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت، سال هفتم شماره بیستم
- * رهنمای رودپشتی فریدون، نیکو مرام هاشم، هیبیتی فرشاد، یزدانی شهره (۱۳۹۱) "تأثیر سوگیری شناختی سرمایه گذاران بورس اوراق بهادار تهران بر ارزشیابی سهام" فصلنامه علمی پژوهشی دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، شماره سیزدهم

- * بهرامفر ، رسولی (۱۳۷۷) ، "ویژگیهای کیفی اطلاعات حسابداری مدیریت و نقش آن در تصمیم‌گیریهای مدیریت" ، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی ، شماره ۲۴ و ۲۵
- * مهرانی ، ساسان و نعیمی، مهدیس (۱۳۸۲) ، "تئوری اخلاقی و تاثیر فشار بودجه زمانی بر رفتار حسابرسان مستقل" بررسی‌های حسابداری و حسابرسی ، شماره ۳۲
- * رضاییان ، علی (۱۳۶۹) ، "اصول مدیریت بازرگانی" ، تهران ، انتشارات سمت
- * نیک بخت محمدرضا، دیانتهی دیلمی زهرا، حسین پور امیرحسین، (۱۳۹۴) " تاثیر میزان تحصیلات و تجربه مدیران مالی بر روی اهمیت و اعتقاد آنان بر ابعاد مختلف کارت امتیازی متوازن" ، پژوهشهای حسابداری مالی و حسابرسی ، دوره ۷ شماره ۲۸
- * Jan Feld, Jan Sauer mann , Andries de Grip (2017) " Estimating the relationship between skill and overconfidence" Journal of Behavioral and Experimental Economics ,
- * Burson, K.A. , Larrick, R.P. , Klayman, J. , 2006. Skilled or unskilled,
- * but still unaware of it: how perceptions of difficulty drive miscalibration in relative comparisons. J. Pers. Soc. Psychol. 90 (1), 60-77 .
- * Dunning, D. , 2011. The dunning-kruger effect: on being ignorant of one's own - - igo- rance. Adv. Exp. Social Psychol. 44, 247-296 .
- * Ehrlinger, J. , Johnson, K. , Banner, M. , Dunning, D. , Kruger, J. , 2008. Why the unskilled are unaware: further explorations of (absent) self-insight among the incompe- tent. Organ. Behav. Hum. Decis. Process. 105 (1), 98-121